

# نگاهی به قرآن کریم ترجمه ابوالفتوح رازی و مقایسه‌ای با ترجمه تفسیر طبری و ترجمه‌ای کهن



حسن عاطفی

قرآن کریم، ترجمه ابوالفتوح رازی، به کوشش محمد مهیار،

مطبوعات دینی، قم، ۱۳۸۰.

فرهیخته ایرانی در صدد فراگیری زبان تازی که زبان دینی اسلام بود، برآمدند، و در این راه کسانی به جمع و تدوین لغات عرب و تألیف فرهنگ‌ها و معاجم این زبان پرداختند. قابل ذکر است که اعراب خود در دوره جاهلیت و در صدر اسلام، احساس حاجتی به تحقیق در لغت و صرف و نحو و کتابت نمی‌کردند؛ چون عربی زبان مادری آنان بود و راویان، آثار ادبی و اشعار جاهلی را به خاطر می‌سپردند و برای نسل‌های بعدی روایت می‌کردند. تا این که اسلام در سرزمین‌های غیر عربی از جمله ایران جایگزین دیگر مذاهب گردید. ایرانیان تازه مسلمان برای ادای فرایض دینی خود نیاز به تعلیم و تعلم زبان عربی پیدا کردند، و بدین ترتیب جمع‌آوری لغات و تدوین قواعد صرف و نحو این زبان آغاز شد و کسانی چون: خلیل بن احمد فراهیدی

... تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَكُرَّمُ أَنْ مُبِينٍ

آیه: ۱-سوره حجر

... این آیت‌های کتاب است و قرآنی روشن

(ترجمه رازی)

اخیراً «قرآن کریم» با ترجمه «ابوالفتوح رازی» به کوشش آقای محمد مهیار زینت بخش بازار کتاب شده است. با اغتنام فرصت با اشاره‌ای به ذکر سابقه زبان عربی در ایران و ترجمه و تفسیر کلام الهی به فارسی و مقایسه ترجمه ابوالفتوح با ترجمه تفسیر طبری و ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید می‌پردازیم تا مشابهت‌ها و مغایرت‌های این سه متن مشخص گردد.

با ورود آیین مقدس اسلام در ایران و پذیرش آن از سوی ایرانیان از همان آغاز (سده‌های نخستین هجری) طبقه تحصیل کرده و



یکی از اوراق آن ثبت شده است. نثر ترجمه، ساده و روان است و ویژگی‌های نثر دوره سامانی در آن به چشم می‌خورد.

۴. ترجمه قرآن موزه پارس: ترجمه‌ای است از قرآن مجید از سوره مریم تا آخر قرآن، یعنی نیمه دوم قرآن. تاریخ ترجمه و مترجم آن مشخص نیست. با توجه به واژه‌های متن، به احتمال توان گفت که این ترجمه از اوایل قرن پنجم هجری است. لغات متن، شباهتی به واژه‌های تفسیر شنقشی دارد.

۵. تفسیری بر عرش قرآن: ترجمه‌ای است از آیه ۷۶ به بعد، سوره کهف تا پایان سوره فرقان.

۶. ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن مجید: زمان این ترجمه مربوط به قرون اولیه هجری می‌باشد. این متن نه ترجمه حرفی است که هر لغت از قرآن به لغتی برابر آن از پارسی، برگردانده شده باشد، و نه کاملاً ترجمه‌ای تفسیری است، آن گونه که به اشباع در هر باب سخن رود.

بدین ترتیب در طول هزار سال ادب فارسی، آثار ارزنده‌ای از این ترجمه‌ها و تفسیرها در اختیار داریم همچون تفسیر سوره‌آبادی از ابوبکر عتیق، و تفسیر عده‌الابرار میبدی و روض الجنان ابوالفتح رازی که یکی از آثار گرانقدر پارسی در مشرب تشیع است که از دیرباز مورد توجه مفسران بعد از وی بوده است. این اثر نفیس چهاربار در ایران به چاپ رسیده که آخرین طبع آن به همت آستان قدس رضوی و تصحیح گروهی از محققان با سرپرستی آقایان دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح در بیست مجلد به گونه‌ای انتقادی تا سال ۱۳۷۵ ش خاتمه یافته است. با توجه به این چاپ، در سال ۱۳۸۰ «قرآن کریم» با ترجمه ابوالفتح رازی به کوشش فاضل محترم آقای محمد مهیار فراهم گردیده که هدیه‌ای است برای دانشجویان و دانش پژوهانی که قصد تحقیق و مطالعه در متون تفسیری پارسی دارند. از امتیازات این اثر، بحث مستوفایی است که درباره زبان و آشناسی متن و واژه‌ها و دستور ترجمه ارائه شده و خود مآخذی برای پژوهشگران در تاریخ زبان فارسی به حساب می‌آید و ترجمه متن نمونه‌ای از کل تفسیر است و چنین استنباط می‌شود که زبان ترجمه رازی با زبان گفتاری روزمره فارسی‌زبانان ری و نواحی و مناطق مرکزی کشور، نزدیک تر است تا ترجمه‌های مشابه که در سرزمین‌های شرقی قلمرو زبان فارسی انجام شده. از توجه رازی به زبان گفتاری مردم، حذف بعضی صامت‌ها و مصوت‌ها در پاره‌ای از

بصری و شاگرد او «سیبویه» بزرگ‌ترین عالم نحو و صاحب اوکین کتاب بزرگ جامع در نحو، یعنی: «الکتاب» و شاگرد وی: «أخفش» شارح کتاب سیبویه و «کسائی فارسی» معلم فرزندان هارون، در این راه قدم نهادند، و در علم لغت نخستین کسی که به کار تألیف کتابی به مقصود جمع همه لغات زبان عرب به ترتیب حروف معجم شروع کرد، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد فراهیدی بود که وی از علمای بزرگ علوم انسانی و ادبی و مبتکر علم عروض و واضع کتب معجم در لغت عربی است.

چون بنای اسلام بر پایه قرآن کریم استوار است، بنابراین شناخت کامل این ودیعه الهی از آغاز مورد توجه بوده، و قرآن سبب ایجاد علوم مختلفی مانند: فرائد، تفسیر، کلام، فقه، معانی و بیان و غیره گردیده است.

اما ترجمه و تفسیر قرآن به زبان فارسی: چنانکه گفته اند با توجه به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» (سوره ابراهیم) علمای ماوراءالنهر در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی به ترجمه تفسیر طبری از عربی به فارسی فتوی دادند و این امر مجوزی شد که کتاب آسمانی به پارسی برگردانده شده باشد. چنانکه مشهور است نخستین بار سلمان فارسی سوره فاتحه‌الکتاب را برای ایرانیان به پارسی برگرداند. همچنین ترجمه‌های کهن پارسی قرآن، مربوط به قرون اولیه اسلامی شاهد این مدعا است. ترجمه‌ها و تفسیرهایی کهن مانند:

۱. تفسیر پاک: قطعه‌ای است از تفسیری بی نام به پارسی از اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. نسخه‌ای کهن و ناقص از این تفسیر در کتابخانه دانشگاه لاهور است.

۲. بخشی از تفسیری کهن: ترجمه و تفسیری است ناتمام بر سوره بقره از آیه شریفه ۷۸ تا ۲۷۴ متعلق به پیش از قرن چهارم هجری.

۳. تفسیر شنقشی: ترجمه ده سوره آغاز قرآن که احتمالاً از قرن چهارم یا پنجم است. این تفسیر ثلثی از قرآن کریم است همراه با گزارشی استوار و دلپذیر، که جزو کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد است و همراه با اوراق و جزوات پراکنده دیگر در زمستان ۱۳۴۹ هنگام نوسازی، از جدار حرم مطهر ثامن الحجج، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به دست آمده است. از کاتب و مترجم آن اطلاعی در دست نیست. تنها متن وقفنامه و نام واقف آن، ابوالحسن علی الشنقشی با فرسودگی قسمت‌هایی، در روی

در موارد دیگر نیز زبان تخاطب به کار رفته، مانند: نزدیک=نزدیک، بتر=بدتر، نکوی=نیکویی، سختتر=سخت تر، تونگر=تونگر، و... اینک مقایسه محدودی از واژه‌ها و آیات در ترجمه رازی با ترجمه تفسیر طبری و نسخه ای کهن از ترجمه قرآن<sup>۱</sup> - از قرن چهار یا پنج - که در اختیار نویسنده این سطور است:

لغات است؛ مانند حذف «ن» در جمع «گناهان» و «جوانان» که به صورت «گناها» و «جوانا» آمده. در این مورد این امکان نیز وجود دارد که «گناها» و «جوانا» جمع «گناه‌ها» و «جوان‌ها» باشد، که «ه» از علامت جمع افتاده و امروز نیز در بین مردم متداول است که می‌گویند: کتابا، دفتر ( = کتاب‌ها، دفترها) و

متن عربی	شماره سوره و آیه	ترجمه رازی	ترجمه تفسیر طبری	ترجمه خطی کهن
ابن السبیل	۶۰/۹	برگذری	راه روندگان	راه گذریان
اساور =	۵۳/۴۳-۳۳/۳۵	دستفرونج‌ها،	دستورنجنها= دست اورنجنها	دستورنجنها
(دست بندها)	۲۱/۷۶-۳۱/۱۸-۳۳/۲۲	دستورنچ‌ها		
اسباط	۱۶۳/۴-۱۴۰/۲-۱۳۶/۲	فرزندان	نواسگان- نوایگان- فرزندان	نوادگان
أمیون	۷۸/۲	أمیان	أمیان	نانویسندگان
اهبطوا	۳۸/۲	فروشوید	فرو روید	پانشیب بروید
برق	۱۲/۱۳-۲۰/۲	بَخْتَوَه	برق	آتشه
الخاصمین	۱۹۹/۳-۴۵/۲	خدای ترسان- گردن نهاده	ترسکاران- گردن نهادگان	ترسکاران- خاصمان
دابة الارض	۱۴/۳۴	درخت سنبه	جمنده زمین	چوب خوره زمین
زعیم	۴۰/۶۸-۷۲/۱۲	پایندان	گرفتار؟ پاورنی: پایندان- میانجی- بدرفتار	پایندان
سراب	۲۰/۷۸	زمین آب زای	سراب	کوراب
عدس	۶۱/۳	مرجو	عدس	نیژو
عهن المنفوش	۵/۱۰۱	پشم زده	پشم زده	پشم وزده
غلیظ	۷۳/۹-۱۲۳/۹-۱۷/۱۴	درشت	سخت و درشت	ستبر
غواص	۳۷/۳۸	دریارو	به آب فروشونده	به دریا فروشونده
فاسقین	۵۴/۴۳-۴۶/۵۱	بی سامان کاران	تباه کاران	نافرمانان
قرده	۶۵/۲	بوزنگان	کیان	کیان
کفیل	۹۱/۱۶	پایندان	پایندان و نگاه بان	پایندان- کاران
مارج	۱۵/۵۵	درفش	زیانه	زنجه
مشركین	۲۰/۱۶	مشركان	هنبازگویان	انبازفردارندگان
الْمَنِّ وَالسَّلْوَى	۸۰/۲۰-۵۲/۲	ترنجبین و مرغ سماته (سنبان)	ترنجبین و سامان بریان	ترنجبین و مرغ بریان کرده
مؤمنین	۱۳۲/۳۷-۴۷/۲۴	گرویده	گرویدگان	بگرویدگان
نصیر	۱۲۰/۲-۱۰۷/۲	یاور- یار	یاری ده	یاری کن

ترجمه سوره فاتحه الكتاب

ترجمه رازی: ۱. به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر؛ ۲. همه سپاس خدای را پروردگار جهانیان؛ ۳. بخشاینده بخشایشگر؛ ۴. پادشاه روز حساب و جزا؛ ۵. خاص تو را پرستیم و خاص از تو طلب یاری کنیم؛ ۶. راه بنمای ما راه راست؛ ۷. راه آنان که نعمت کردی تو بر ایشان از مؤمنان، جز آنان که خشم گرفتی بر ایشان از جهودان و نه گمراهان از ترسایان. (ص ۱)

ترجمه تفسیر طبری: ۱. به نام خدای مهربان بخشاینده؛ ۲. شکر خدای را خداوند جهانیان؛ ۳. مهربان بخشاینده؛ ۴. پادشاه روز رستخیز؛ ۵. ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم؛ ۶. راه نمای ما راه راست؛ ۷. راه آن کس ها که منت نهادی بر ایشان نه آن کس های که خشم گرفته ای- یعنی جهودان- بر ایشان و نه گم شدگان از راه- یعنی ترسایان. (ص ۱۰)

خطی کهن: ۱. بسم الله- آی ابتدأ- ابتدا می کنم به نام خدای روزی دهنده رحمت کننده؛ ۲. شکر و سپاس و ستایش خدای راست که پروردگار عالم و عالمیانست؛ ۳. روزی دهنده همه روزی خوارگانست؛ ۴. رحمت کننده خاص بر مؤمنانست؛ ۵. پادشاه روز حساب و جزاست؛ ۶. تو خداوند را می پرستیم و از تو خداوند یاری می خواهیم؛ ۷. [اهدنا]- آی ثبتنا- ثابت بدار ما را بر راه راست؛ ۷. راه آن ها که نعمت کردی تو بر ایشان- یعنی مؤمنان- نه آنها که خشم گرفته شد بر ایشان- یعنی جهودان- و نه گمراهان- یعنی ترسایان.

وَإِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. (آیه ۲۳، سوره بقره)

ترجمه رازی: «و اگر می باشید در شک از آنچه ما فرستادیم بر بنده مان، بیارید سورتی از مانند این و بخواید گواهانتان را به جز خدای، اگر راست می گوید.» (ص ۴)

ترجمه تفسیر طبری: «و اگر هستید اندرگان از آنچه بفرستادیم بر بنده ما، بیارید سورتی از مانند آن، و بخوانید گواهان شما را

از بیرون خدای اگر هستید راستگویان.» (ص ۲۲)

خطی کهن: «و اگر هستید شما در شکّی از آنچه فرو فرستادیم ما بر بنده ما یعنی محمد، پس بیارید سورتی از مانند این قرآن و برخوانید گواهان خویش را از جز از خدا اگر هستید شما راست گویان

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. (قسمتی از آیه ۳۴، سوره نسا)

ترجمه رازی: خدای همیشه بزرگ بوده است. (ص ۸۴)  
ترجمه تفسیر طبری: که خدای هست برتر و بزرگوار. (ص ۲۹۶)  
خطی کهن: به درستی که خدا هست افرشته بزرگوار.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. (آیه ۸، سوره آل عمران)

ترجمه رازی: خدای ما! بر مگردان دل های ما پس از آنکه راه دادی ما را و بده ما را از نزدیک تو رحمت، بدرستی که تو بخشنده ای. (ص ۵۰)

ترجمه تفسیر طبری: خداوند ما! مه گردان دل های ما پس آن که راه نمودی تو ما را و بده ما را از نزدیک تو رحمت که توی تو دهنده. (ص ۲۰۰)

خطی کهن: ای پروردگار ما! بگردان دل های ما پس از آنچه راه نمودی تو ما را و ببخش ما را از نزدیک تو رحمتی؛ بدرستی که تو بخشنده ای.

فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا. (قسمتی از آیه ۸۱، سوره نساء)

ترجمه رازی: برگرد از ایشان و توکل کن بر خدای و بس است خدای وکیل. (ص ۹۱)

ترجمه تفسیر طبری: برگرد از ایشان و توکل کن بر خدای، و بسنده است خدای نگه بان. (ص ۳۰۸)

خطی کهن: پس برگرد از ایشان و توکل کن بر خدا و تمام است بکار آنی. (کارآن=وکیل)

۲. در ترجمه «رَبِّ» با توجه به ریشه لغت، «پروردگار» مناسب تر از «خدا» و «خداوند» است.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (آیه ۱۲۰، سوره مائده)

ترجمه رازی: خدای راست پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در آنجاست و او بر همه چیزی تواناست. (ص ۱۲۷)

ترجمه تفسیر طبری: خدای راست پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن است و اوست بر همه چیزی توانا. (ص ۴۳)

خطی کهن: خدای راست پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این و آن است و او بر همه چیزی توانا است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ، ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ. (آیه ۱، سوره انعام)

ترجمه رازی: سپاس خدای را آن که بیافرید آسمان ها و زمین و بیافرید تاریکی ها و روشنایی، پس آنان که کافر شدند به خدایشان شرک می آرند. (ص ۱۲۸)

ترجمه تفسیر طبری: شکر خدای را آنک بیافرید آسمان ها و زمین، و کرد تاریکی ها و روشنایی، پس آن کس ها که کافراند بخداوند ایشان می برابری کنند. (ص ۴۳۶)

خطی کهن: شکر و ستایش خدای راست، آن خدایی که بیافرید آسمان ها و زمین را، و بکرد تاریکی ها و روشنی را، پس آن ها که کافر شدند به پروردگار خویش برابری می کنند.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ إِذْ رَأَى أَنَّهُ أَخَذَ اصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَىكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (آیه ۷۴، سوره انعام)

ترجمه رازی: چون گفت ابراهیم مر پدر خود آزر را: آیا گیری بتان را خدایان؟ بدرستی که می بینم تو را و قوم تو را در گمراهی پیدا. (ص ۱۳۷)

ترجمه تفسیر طبری: که گفت ابراهیم پدر خویش مر آزر را که: می گیری بتان را به خدایی؟ می بینم ترا و گروه ترا اندر بی راهی هویدا. (ص ۴۴۸)

خطی کهن: و چون گفت ابراهیم مر پدر خویش را، آزر، آی فرا می گیری تو بتان را به خدایان؟ بدرستی که من می بینم ترا و قوم ترا در گمراهی روشن

و نُقَلِّبُ أَفْسَدَتَهُمْ وَ أَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّْلَ مَرَّةٍ وَ نَكِّرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ بِمَمَّهُونَ. (آیه ۱۱۰، سوره انعام)

ترجمه رازی: برگردانیم دل هاشان و چشم هاشان چندان که ایمان نیاورند به آن اول بار، و رها کنیم در کفرشان تا متحیر بمانند. (ص ۱۴۱)

ترجمه تفسیر طبری: و می گردانیم دل هاشان و چشم هاشان چنانکه نه گرویدند بدان نخست بار، و دست بداریمشان، اندر بی راهی ایشان می گردند. (ص ۴۵۴)

خطی کهن: و همی گردانیم دل های ایشان و بینایی های ایشان، چنانکه بنگرویدند بدان اول بار، و بگذاریم ایشان را، تا در بیراهی خویش سرگشته می شوند.

أَوَامِنَ أَهْلِ الْقُرَىٰ إِنَّ يَأْتِيهِمْ بَأْسُنَا نَضْحَىٰ وَهُمْ يَلْعَبُونَ. (آیه ۹۸، سوره اعراف)

ترجمه رازی: یا ایمن شدند اهل شهرها که به ایشان آید عذاب ما چاشتگاه، و ایشان بازی می کنند؟ (ص ۱۶۳)

ترجمه تفسیر طبری: یا ایمن شدند اهل دیه ها که بیاید بدیشان عذاب ما چاشتگاه و ایشان بازی کنند؟ (ص ۵۱۳)

خطی کهن: یا ایمن شدند اهل دیه ها که آید بدیشان عذاب به چاشتگاه و ایشان بازی کنند؟

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا وَ قَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. (آیه ۵، سوره یونس)

ترجمه رازی: او آن خدای است که کرد آفتاب را روشنای و ماه را روشنای و بینداخت آن را جایها تا بدانید عدد سال ها و شمار، نیافرید خدای آن مگر براستی، تفصیل دهد آیتها را برای قومی که بدانند. (ص ۲۰۸)

ترجمه تفسیر طبری: و اوست آنک کرد آفتاب را روشنایی و ماه را نوری، و اندازه کرد آن را جایگاه ها، تا بدانند شمار سال ها و حساب هاء آن، و نه آفرید خدای آن مگر براستی، فصل کنیم آیتها گروهی را که می دانند. (ص ۶۶۵)

نگاهی به قرآن کریم ترجمه ابوالفتح رازی و مقایسه ای با ترجمه ...

**خطی کهن:** او آن خدای است که بکرد خورشید را روشنی و ماه را سبب نوری و اندازه کرد آن را منازل ها، تا بدانید شمار سالها و حساب، نیافرید خدا آن را مگر بحق هویدا می کند نشانها را، مرقومی را که بدانند.

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ . (آیه ۱۳ ، سوره یونس)

**ترجمه رازی:** به درستی هلاک کردیم ما جماعات را از پیش شما چون ستم کردند و آمد به ایشان پیغامبران ایشان به حجتها و ایمان نیاوردند، همچنین پاداشت دهیم گروه کافران را (ص ۲۰۹)

**ترجمه تفسیر طبری:** و بدرستی که هلاک کردیم گروهی را از پیش شما چون ستم کردند، و آمد بدیشان پیغامبران ایشان به پیدائی ها، و نه بودند می گرویدند، چنان پاداش کنیم گروه گناه کاران را (ص ۶۶۷)

**خطی کهن:** به درستی که هلاک کردیم ما گروهان را از پیش شما چون ستم کردند، و آمدند بدیشان رسولان ایشان به حجتها و بنگرویدند، همچنین پاداشت دهیم قوم کافران را.

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرَفَىٰ ؕ آيَاتِنَا أَفَلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ . (آیه ۲۱ ، سوره یونس)

**ترجمه رازی:** و چون بچشانیم مردمان را رحمتی از پس سختی که رسد ایشان را، چون بنگرید ایشان را مکرری بود در آیات ما، بگو: خدای زود عقابتر است، و پیغامبران ما، یعنی فریشتگان می نویسند آن مکر که شما می کنید. (ص ۲۱۱)

**ترجمه تفسیر طبری:** و چون بچشانیدیم مردمان را رحمتی از پس بدی ای که رسید ایشان را، چون ایشان راست مکر اندر آیت های ما، بگو: که خدای شتاب مندتر مکر است، که پیغامبران ما می نوشتند آنچه مکر می کردید. (ص ۶۶۹)

**خطی کهن:** چون در چشانیم مردمان را رحمتی از پس زیانی که رسیده باشد بدیشان، آنکه ایشان را بود ساختنی در انکار نشان های ما، بگو ای محمد خدا شتابنده تر بساختن، بدرستی که رسولان ما می نویسند، آنچه شما می سازید.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّصَتْ عَنْكُم بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ ؕ (قسمتی از آیه ۹۲ ، سوره نحل)

**ترجمه رازی:** و مباشید چون آن زن که باز شکافت ریسمانش از پس قوت، تاب ها باز داده. (ص ۲۷۷)

**ترجمه تفسیر طبری:** و مباشید اندر شکستن پیمان چنان زن که واخشد ریسمان خویش را از پس محکم رشتن فرهم خنیده. (ص ۸۷۷)

**خطی کهن:** و مباشید چون آن زنی که باز شکافت ریسمان خویش را از پس تاب دادن، تاب باز پس دادنی.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ . (آیه ۱۲۰ ، سوره نحل)

**ترجمه رازی:** ابراهیم بود امامی، فرمانبردار خدای را، مسلمان، و نبود از جمله مشرکان. (ص ۲۸۱)

**ترجمه تفسیر طبری:** بدان که ابراهیم بود به تن خویش امامی، فرمان بردار خدای را؛ مسلمان پاکیزه، و نبود از هنبازگویان. (ص ۸۸۲)

**خطی کهن:** به درستی که ابراهیم بود امامی فرمانبردار خدای را، هائل از باطل با حق، و نبود از جمله انباز فرادارندگان.

فَقَطَّمُوا أَرْهَامَ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ . (آیه ۵۳ ، سوره مؤمنون)

**ترجمه رازی:** ببردند کار ایشان میان ایشان پاره پاره، هر گروهی به آنچه نزدیک ایشان باشد شادمانه اند. (ص ۳۴۵)

**ترجمه تفسیر طبری:** پاره پاره بکردند کار ایشان میان ایشان نوشته، هر گروهی بدانچه نزدیک ایشان راست، شادی کنندگان اند. (ص ۱۰۷۵)

قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . (آیه ۸۴ ، سوره مؤمنون)

**ترجمه رازی:** بگو: که راست این زمین و آنان که در او اند اگر شما دانید؟ (ص ۳۴۷)

**ترجمه تفسیر طبری:** بگوی که: که راست زمین و آنک اندران اگر هستید و می دانید؟ (ص ۱۰۸۲)

**خطی کهن:** بگو: ای محمد! که راست زمین و آنک در آنند اگر شما بدانید؟

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُ لَكُمُ خَلْفَاءَ  
الْأَرْضِ أَدِلَّةً مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ. (آیه ۶۲، سوره نمل)

ترجمه رازی: یا کیست که جواب دهد به ضرورت رسیده را چون بخواندش و بگشاید بدی؟ و کند شما را خلیفتان زمین هست خدایی با خدا؟ اندک اندیشه می کنید. (ص ۳۸۲)

ترجمه تفسیر طبری: یا کی اجابت کند بیچاره را چون بخواند او را، و باز دارد بدی، و کند شما را خلیفتان زمین؟ خدائی دیگر است با خدای عزوجل؟ اندکی اند آنچه پند همی پذیرند. (ص ۸-۱۲۰۷)

خطی کهن: یا کیست که پاسخ کند بیچاره را چون خواند او را و بردارد بدی را؟ و بکند شما را گماشتگان زمین، ای با خدا خدایی دیگر هست؟ اندکی پند می گیرید شما.

وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى  
هَمَّا يُشْرِكُونَ. (آیه ۶۸، سوره قصص)

ترجمه رازی: و خدای تو بیافریند آنچه خواهد و برگزیند، نباشد ایشان را برگزیدن، پاک است خدای تعالی و برتر است از آنچه همباز می آرند ایشان. (ص ۳۹۳)

ترجمه تفسیر طبری: و خداوند تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، و نه بود ایشان را برگزیدن، پاک است خدای عزوجل و برتر است از آنچه انباز گیرند. (ص ۱۲۷۱)

خطی کهن: و پروردگار تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند، نبود ایشان را اختیاری، پاک و منزّه است خدا و افروخته، از آنچه ایشان انباز فرامی دارند.

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اهْبُدُوا لِلَّهِ وَاتَّقَوْهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ. (آیه ۱۶، سوره عنكبوت)

ترجمه رازی: و ابراهیم چون گفت قومش را: پرستید خدای را و بترسید از او، آن بهتر است شما را اگر شما دانید. (ص ۳۹۸)

ترجمه تفسیر طبری: و ابراهیم که گفت گروه خویش را که:

پرستید خدای عزوجل را و بترسید از او، که آن بهتر شما را اگر  
هستید و می دانید. (ص ۱۲۹۸)

خطی کهن: و ابراهیم را چون گفت مر قوم خویش را: به یگانگی  
پرستید خدای را، و ترسید از او، آتان بهتر شما را، اگر شما بدانید.  
يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ.  
(آیه ۴۱، سوره رحمان)

ترجمه رازی: بشناسند مجرمان به نشانشان، فراگیرند به موی  
پیشانی و پایها. (ص ۵۳۳)

ترجمه تفسیر طبری: بشناخته شوند گناه کاران به نشانهای ایشان،  
و گرفته شوند به موی پیشانیهای ایشان و پایهاشان. (ص ۱۷۸۶)

خطی کهن: شناخته شوند کافران به نشانهای روی ایشان،  
پس بگیرند ایشان را به موهای پیشانی و قدم ها.

وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ\* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ\* وَإِذَا  
كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ. (آیات ۱-۳، سوره مطففین)

ترجمه رازی: و ای آنان که کم پیمایند و کم سنجند\* آنان که  
چون پیمایند برای خود بر مردمان تمام بستانند\* و چون پیمایند  
بر ایشان یا سنجند بر ایشان کم پیمایند و سنجند. (ص ۵۸۷)

ترجمه تفسیر طبری: و ای طفاف کنان را! یعنی کیلان که غله  
می پیمایند\* آن کس ها را که چون می پیمایند بر مردمان تمام  
پیمایند و تمام بستانند\* و چون پیمایند ایشان را یا بسنجند ایشان  
را کاست کاری کنند. (ص ۱۹۹۶)

خطی کهن: و ای مر پیمایندگان را! آنها که چون پیمایند بر  
مردمان، تمام فراستانند\* و چون پیمایند ایشان را یا وزن کنند  
ایشان را، باز کاهانند.

کجای به قرآن کریم ترجمه ابو الفتح رازی و طلبه ای از جمله ...

